

نقش منابع تملیکی (آزاد) در تأمین مالی و وصول مطالبات غیرجاری نظام بانکی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۷/۳۰

محمدنقی نظریور*
اکبر کشاورزین**

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکداری بدون ربا در ایران، عدم توجه به ماهیت منابع جذب‌شده از طرف بانک‌ها به‌ویژه فقدان شناخت ماهیت منابع یا تسهیلات دریافت‌شده از طرف مشتریان می‌باشد؛ این امر سبب شده است مشتریان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اغلب در اندیشه دستیابی به منابع ارزان‌قیمت بانکی باشند. به دلیل عدم آشنایی نظام بانکی با منابع تملیکی (آزاد)، حساسیت کارکنان بانک‌ها و مشتریان نسبت به ماهیت قراردادهای رعایت موازین شرعی قانونی، به کارگیری به‌جا و درست این قراردادها کمتر شده است.

این مقاله به بررسی تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی موضوع منابع تملیکی (آزاد) پرداخته و درصدد بررسی این فرضیه است که برای وصول مطالبات غیرجاری بانک‌ها و کاهش صورتی شدن معاملات، می‌توان از قراردادهای که منابع تملیکی ایجاد می‌کنند، استفاده نمود؛ مطالعه انجام‌شده نشان می‌دهد که قراردادهای مبادله‌ای بهترین راهکار برای ایجاد منابع تملیکی می‌باشند. نتایج بررسی انجام‌شده نشان داد که قراردادهای خرید دین، اجاره به شرط تملیک، سلف، مشارکت تناقصی، مشارکت حقوقی، قرض الحسنه، مرابحه، جعاله و استصناع به ترتیب بهترین قراردادها در ایجاد منابع تملیکی هستند؛ با توجه به تملیکی بودن تسهیلات اعطایی در قالب این قراردادها و مالکیت تسهیلات‌گیرنده بر منابع دریافتی از بانک، حساسیت و دغدغه شرعی نحوه مصرف این‌گونه تسهیلات کاهش یافته و معاملات صورتی در نظام بانکی کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: منابع تملیکی یا آزاد، تجهیز و تخصیص منابع، مشارکت تناقصی، مطالبات غیرجاری.

طبقه‌بندی JEL: G21, G24, Z12

مقدمه

منابع مؤسسات اعتباری در نظام مالی اسلامی به دو دسته کلی منابع تملیکی و منابع وکالتی تقسیم می‌شوند که هرکدام از دیدگاه فقهی و کاربردی، دارای کارکردهای متفاوتی هستند؛ مؤسسات اعتباری از طریق سپرده‌های تملیکی (قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز) و سپرده‌های وکالتی (سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار) می‌توانند اقدام به تجهیز منابع نمایند؛ این مؤسسات در تخصیص منابع (مصارف) نیز با انتقال مالکیت و شراکت مواجه‌اند که در قالب قراردادهای اسلامی انجام می‌پذیرد.

اهمیت منابع و مصارف تملیکی در نظام مالی اسلامی زمانی پررنگ می‌شود که بخش مهمی از تقاضای مالی مشتریان بازار پول و سرمایه با هدف پرداخت بدهی (غیرجاری) انجام می‌پذیرد و نهادهای مالی مرتبط نمی‌توانند در قالب قراردادها و در چارچوب دستورالعمل‌های جاری به تقاضای آنها پاسخ دهند و این محدودیت سبب می‌شود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای تأمین مالی بخش عمده‌ای از این تقاضاها، به سمت صوری نمودن قراردادها سوق یابند (تسخیری، ۱۳۸۴)؛ منابع تملیکی این ظرفیت را دارد که برای پرداخت بدهی‌های غیرجاری مشتریان در قالب قراردادهای اسلامی پاسخ داده و موجب کاهش عملیات صوری در نظام مالی کشور شده و اعتماد و اطمینان جامعه را به نظام تأمین مالی اسلامی تقویت نماید. پرداختن به موضوع نحوه تأمین مالی بدهکاران شبکه بانکی در قالب قراردادهای اسلامی زمانی برجسته می‌شود که بر اساس آخرین آمار منتشرشده از طرف بانک مرکزی (اسفند ۱۳۹۴)، میزان مطالبات غیرجاری نظام بانکی بیش از ۸۵۰ هزار میلیارد ریال و نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات اعطایی با کاهش دو درصدی نسبت به سال قبل به ۱۰.۲ درصد در پایان سال ۱۳۹۴ رسیده است (نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، ش ۸۳، ۱۳۹۵) که با استانداردهای بین‌المللی فاصله معناداری دارد. این پژوهش با هدف معرفی منابع تملیکی به ادبیات نظام تأمین مالی اسلامی، به دنبال پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است:

الف) آیا منابع تملیکی توانایی پاسخگویی به تأمین مالی مشتریان نظام بانکی جهت پرداخت بدهی‌های غیرجاری را دارد؟

ب) آیا بانک‌ها برای وصول مطالبات غیرجاری خود می‌توانند از مصارف تملیکی بهره‌برداری نمایند؟

ج) کدام‌یک از قراردادهای اسلامی در ایجاد منابع تملیکی برای تعیین تکلیف بدهی مشتریان غیرجاری بانک‌ها مناسب‌تر است؟

در مقاله برای رسیدن به این هدف و بررسی پرسش‌های اصلی پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه اسنادی استفاده شده و به بررسی این فرضیه می‌پردازد که برای وصول مطالبات غیرجاری بانک‌ها می‌توان از قراردادهایی که منابع تملیکی در اختیار متقاضی تسهیلات قرار می‌دهد استفاده نمود. مقاله با مرور پیشینه و ادبیات موضوع، مبانی نظری منابع مالکیتی و ویژگی‌های آن را بررسی می‌نماید؛ نقش منابع مالکیتی در تخصیص منابع به تفکیک قراردادها، اساس کار این پژوهش است که در آن به تشریح مبانی، ویژگی‌ها و تملیکی بودن قراردادها می‌پردازد؛ در بخش بعدی، نقش منابع تملیکی در وصول مطالبات غیرجاری بانک‌ها مورد بررسی قرار گرفته و با معرفی برخی از شاخص‌های مهم فقهی، قانونی و بانکی، انواع قراردادهای اسلامی در ایجاد منابع تملیکی برای وصول مطالبات غیرجاری رتبه‌بندی شده و درنهایت با جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد، مقاله پایان می‌یابد.

پیشینه و ادبیات موضوع

منابع تملیکی یا آزاد در نظام بانکی کشور از دوره اجرایی شدن قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران مورد استفاده قرار گرفته (هدایتی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۰) و بیشتر مشتریان نظام بانکی بدون توجه به ماهیت قراردادها در ایجاد منابع تملیکی یا اذنی، از این منابع استفاده می‌کنند؛ مطالعات اسنادی انجام شده در خصوص پژوهش‌های انجام شده در ادبیات موضوع و جامعه آماری نشان‌دهنده این واقعیت است که تا به حال در خصوص نقش منابع تملیکی (آزاد) در نظام بانکی پژوهش و گزارش منسجمی منتشر نشده است؛ برخی از پژوهش‌های علمی در خصوص نحوه وصول مطالبات غیرجاری بانک‌ها در ادبیات موضوع وجود دارد که در آنها نیز به موضوع منابع تملیکی اشاره نشده است؛ بیشتر پژوهش‌های انجام شده در مورد کیفیت قراردادهای اسلامی به نحوه تأمین مالی در بخش‌های مختلف اقتصادی مربوط

می‌شود؛ برخی از این پژوهش‌ها که نزدیکی بیشتری با عنوان این مقاله دارند به شرح زیر قابل ارائه است:

فاضلیان و بیدگلی (۱۳۸۴) در مقاله «معرفی روش‌های تأمین مالی اسلامی مسکن» با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، مشارکت کاهنده را به‌عنوان یکی از روش‌های تأمین مالی برای خرید مسکن در کنار فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک مطرح کرده و یک مدل برای آن ارائه کرده‌اند.

معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب (۱۳۸۸) در مقاله با عنوان «بررسی فقهی و اقتصادی ابزار تأمین مالی مشارکت کاهنده» به بررسی ماهیت فقهی مشارکت تناقصی (کاهنده) پرداخته و نحوه بهره‌گیری از این قرارداد را در نظام بانکی و بازار سرمایه با بهره‌گیری از روش توصیفی و مطالعه اسنادی ارائه نموده‌اند.

کار دیگر در این زمینه به مقاله «طراحی اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا در قالب قرارداد مشارکت مدنی مشروط» به وسیله موسویان و کشاورزیزیان (۱۳۹۰) مربوط می‌شود که روش‌های مختلف تأمین مالی با هدف بهره‌گیری از اعتبار در حساب جاری مطرح شده و در نهایت بهترین قرارداد در این زمینه را قرارداد مشارکت مدنی مشروط معرفی و نسبت به طراحی آن در نظام بانکی اقدام نموده‌اند. گرچه در برخی از این مقالات، قراردادهای تملیکی که منابع آزاد در اختیار مشتری قرار می‌دهد، به صورت غیرمستقیم به‌کارگرفته شده‌اند، ولی معرفی و پرداختن به ماهیت و کارکردهای خاص این قراردادها برای اموری نظیر وصول مطالبات غیرجاری، مطرح نشده است.

موسویان و غلامی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا» به بررسی راهکارهای پرداخت بدهی غیرجاری مشتریان پرداخته و بهره‌گیری از قراردادهای خرید دین، سلف، اجاره به شرط تملیک و مشارکت کاهنده را برای نظام بانکی معرفی می‌کنند؛ مشتری در قالب مشارکت کاهنده، یکی از دارایی‌های سرمایه‌ای خود را با این شرط به مشارکت می‌گذارد که اولاً، در دوران مشارکت در مقابل استفاده از سهم‌الشرکه بانک، اجاره دارایی دریافت نماید و ثانیاً، به صورت تدریجی، سهم‌الشرکه بانک را خریداری نماید.

ویژگی مهم این مقاله، معرفی مفهوم منابع تملیکی به ادبیات موضوع بانکداری بدون ربا، ارائه ویژگی‌های کامل این قراردادها برای روشن نمودن مبانی فقهی و کاربردی آن و تشریح نحوه کاربرد این قراردادها برای رفع یکی از چالش‌های مهم نظام بانکداری بدون ربا یعنی ارائه راهکار برای پرداخت مطالبات غیرجاری در قالب قراردادهای تملیکی می‌باشد.

مبانی منابع تملیکی

منظور از منابع تملیکی یا آزاد، منابعی است که پس از بستن قرارداد، مالکیت آن در اختیار مشتری قرار گرفته و مشتری می‌تواند (به جهت مالکیت منابع دریافتی) با آن مبلغ، هرگونه تصرفی انجام دهد؛ به عبارت دیگر تسهیلات گیرنده، بدون دغدغه شرعی برای مصرف تسهیلات گرفته شده در یک بخش خاص از اقتصاد یا موضوع فعالیت خود، می‌تواند منابع گرفته شده از بانک را به عنوان منابع مالکیتی خود در هر بخشی یا حتی برای برآورده کردن احتیاجات شخصی استفاده نماید. منابع اذنی در نقطه مقابل منابع تملیکی قرار داشته و مالکیت این منابع در اختیار مشتری اعتباری نمی‌باشد؛ منابع اذنی، تسهیلاتی است که به صورت اذنی در قالب مشارکت یا وکالت برای خرید کالای خاص و یا احداث ساختمان‌های مسکونی و تجاری و اجرای طرح‌های اقتصادی و ... از طرف مؤسسه اعتباری پرداخت شده و بر اساس قراردادهای اسلامی مربوطه و شرایط خاص آن، گیرنده تسهیلات متعهد می‌شود منابع را در بخش یا موضوع خاصی به کار ببرد؛ به عبارت دیگر، در پرداخت تسهیلات بر اساس قراردادهای مربوطه و شرایط خاص آن، مبلغ تسهیلات گرفته شده بایستی در موضوع مشخص مصرف شود؛ منابع اذنی به مالکیت گیرنده تسهیلات در نمی‌آید و مشتری اعتباری از نظر فقهی و حقوقی مجاز نیست آن را در موضوعی یا بخشی غیر از موضوع مورد نظر قرارداد یا قرارداد بانکی فی‌مابین استفاده نماید.

ویژگی‌های منابع تملیکی (آزاد)

در این قسمت، ویژگی‌های منابع تملیکی ارائه شده است:

۱. مالکیت منابع از تأمین‌کننده مالی قطع شده و به مالکیت و تصرف گیرنده تسهیلات درمی‌آید.
 ۲. مشتری می‌تواند در وجوه دریافتی هرگونه تصرفی اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، پرداخت دیون و ... داشته باشد.
 ۳. منابع به‌دست‌آمده از تأمین مالی، حاصل فروش یک دارایی است؛ بنابراین به عنوان منابع تملیکی می‌توان در هر بخشی استفاده نمود.
 ۴. تنها برخی از قراردادهای مبادله‌ای و مشارکتی منابع تملیکی ایجاد می‌کنند.
 ۵. منابع به ملکیت مشتری درمی‌آید؛ نظارت بر چگونگی مصرف وجوه ضروری نیست.
 ۶. این منابع اذنی نیستند و تأمین‌کننده مالی از لحاظ حقوقی نمی‌تواند به گیرنده منابع تکلیف نماید که منابع را در بخش خاص و مورد نظر وی مصرف نماید.
 ۷. نرخ سود آن معمولاً مشخص و با بازده ثابت می‌باشد.
 ۸. رابطه تأمین‌کننده مالی و گیرنده منابع، رابطه خریدار و فروشنده و از لحاظ حقوقی، داین و مدیون است.
- با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان منابع تملیکی (آزاد) را به شرح زیر تعریف نمود:
 «چنانچه منابع گرفته‌شده از نظام بانکی در قالب قراردادهای اسلامی از لحاظ فقهی و قانونی در مالکیت گیرنده تسهیلات قرار گیرد و از هیچ‌گونه محدودیتی در استفاده از آن علیه مشتری نباشد، این نوع منابع را منابع مالکیتی یا آزاد گویند».

منابع تملیکی در تخصیص منابع

در این بخش از مقاله به بررسی راهکارها و قراردادهایی پرداخته می‌شود که مشتریان بانک‌ها با بهره‌گیری از آنها به منابعی دست می‌یابند تا با کمترین دغدغه شرعی نسبت به مصرف آن برای برآوردن نیازهای کسب‌وکار خود اقدام نمایند و مهم‌تر از همه، بتوانند مطالبات غیرجاری خود را پرداخت کنند. شیوه‌هایی که بانک‌ها بر اساس فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توانند تخصیص منابع و اعطای تسهیلات کنند به چهار گروه تقسیم می‌شوند؛ در این بخش به بررسی اجمالی انواع قراردادهای اسلامی و ویژگی‌های هر قرارداد پرداخته و ماهیت تملیکی و غیرتملیکی آنها تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱. قرض الحسنه

قرض الحسنه تنها مورد اعطای وام در نظام بانکی ایران است که بدون دریافت سود و با گرفتن کارمزد در زمینه‌های مشخص و به گروه‌های خاصی از افراد جامعه پرداخت می‌شود؛ قرض الحسنه قراردادی است که به موجب آن بانک مبلغ معینی را طبق شرایط مقرر در دستورالعمل بانک مرکزی به اشخاص تملیک می‌نماید.*

ویژگی‌های قرارداد قرض الحسنه

- انتقال مالکیت مبلغ قرض داده شده؛
- رابطه داین و مدیون بین قرض دهنده و قرض گیرنده؛
- عدم دریافت زیادی از قرض گیرنده؛
- لازم بودن قرارداد قرض الحسنه؛
- امکان استفاده در همه بخش‌های اقتصادی و برآورده نمودن احتیاجات شخصی؛
- امکان تعیین سررسیدهای متفاوت برای بازپرداخت تسهیلات؛
- عدم نیاز به نظارت‌های دقیق پس از بستن قرارداد؛
- امکان بهره‌برداری از این قرارداد به عنوان منابع یا مصارف تملیکی (آزاد).

قرض الحسنه از قراردادهای تملیکی غیرانتفاعی

در قرض الحسنه رابطه حقوقی قرض دهنده با پول قطع می‌شود و مالکیت پول به قرض گیرنده منتقل می‌شود و او می‌تواند در هر جایی مصرف کند؛ بنابراین وام قرض الحسنه برای گیرنده آن منابع تملیکی یا آزاد ایجاد می‌نماید و از این لحاظ دارای مزیت می‌باشد؛ بنابراین، این ابزار می‌تواند در وصول مطالبات نقش اساسی داشته باشد. نکته مهم اینکه اگر

* در تعریف و ویژگی‌های قراردادهای مختلف از منابع مختلف از جمله: (موسویان، ۱۳۸۷ الف و ب / ۱۳۸۹ الف و ب / ۱۳۹۳)، (جمشیدی، ۱۳۹۱)، (هدایتی و دیگران، ۱۳۸۸)، (فرزین‌وش و دیگران، ۱۳۸۳)، (نظرپور و موسویان، ۱۳۹۳)، (امامی، ۱۳۷۵)، مجموعه قوانین پولی و بانکی، مجموعه بخشنامه‌های حوزه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آئین‌نامه‌های قانون بانکداری بدون ربا و به‌ویژه از تجارب علمی و اجرایی نگارندگان در نظام بانکی حسب قرارداد مربوطه (صفحات مربوطه) استفاده شده که از تکرار این منابع در سایر قراردادهای مورد بررسی پرهیز می‌شود.

دولت سیاست‌هایی برای حمایت از بدهکاران واجدالشرايط (بنگاه‌های اقتصادی که به دلایل اقتصادی، بازاری و تحریم نتوانسته‌اند به تعهدات خود عمل نمایند) داشته باشد و بخواهد با تخصیص منابع به بانک‌ها سیاست خود را عملیاتی نماید و بانک‌ها درگیر صوری شدن اعطای تسهیلات و مسائل نظارتی نباشند، اجرایی نمودن موضوع در قالب قرض‌الحسنه بسیار منطقی بوده و حمایت واقعی از بخش مولد قلمداد می‌شود؛ کاربرد این قرارداد برای تأمین مالی احتیاجات شخصی (خرد) می‌باشد و چنانچه به صورت اوراق صکوک منتشر شود، می‌تواند برای امور عام‌المنفعه در سطح کلان نیز کاربرد داشته باشد.

۲. قراردادهای مبادله‌ای

این قراردادها شامل تسهیلات اعطایی مرابحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین و استصناع است؛ این قراردادها در مبادلات تجاری کاربرد داشته و درنهایت با نقل و انتقال مالکیت همراه می‌باشند؛ با توجه به ماهیت این‌گونه معاملات، در هنگام بستن قرارداد و یا مبادله، بانک مجاز است سود معینی را دریافت نماید. در این بخش به بررسی قراردادهای مبادله‌ای و تملیکی بودن هر کدام از آنها پرداخته می‌شود.

قرارداد اجاره به شرط تملیک

چنانچه بانک بخواهد نسبت به تأمین مالی مشتری از طریق قرارداد اجاره به شرط تملیک اقدام نماید، بایستی دستورالعمل اجرایی قرارداد اجاره به شرط تملیک تغییر نماید و بانک‌ها به جای اینکه خرید ملک را از اشخاص ثالث انجام دهند و به مشتری در قالب اجاره به شرط تملیک واگذار نمایند، بتوانند ملک خود مشتری را خریداری کرده و سپس به صورت اجاره به شرط تملیک واگذار نمایند؛ این راهکار می‌تواند در تأمین نقدینگی مشتری و رسیدن به منابع آزاد نقش مؤثری داشته و بدون مشکل و دغدغه شرعی، مشتریان و متولیان کسب‌وکار به منابع تملیکی یا آزاد دست‌یابند.

ویژگی‌های قرارداد اجاره به شرط تملیک

ویژگی‌های قرارداد اجاره به شرط تملیک عبارت‌اند از:

- انتقال مالکیت اموال منقول و غیرمنقول به بانک و اجاره آن از طرف مشتری؛
- رابطه موجر و مستأجر بین بانک و مشتری در دوره اجاره؛

- لازم بودن قرارداد اجاره به شرط تملیک؛
- نرخ سود با بازده معین یا ثابت؛
- امکان استفاده در همه بخش‌های اقتصادی؛
- امکان تعیین سررسیدهای مختلف برای بازپرداخت تسهیلات یا دوره اجاره؛
- امکان ارائه تخفیف در صورت پرداخت اقساط قبل از سررسید؛
- عدم نیاز به نظارت‌های دقیق پس از بستن قرارداد بر اساس مبانی فقهی این قرارداد؛
- امکان بهره‌برداری از این قرارداد به عنوان منابع یا مصارف تملیکی (آزاد).

آیا قرارداد اجاره به شرط تملیک از قراردادهای تملیکی است؟

اگر هدف مشتری در این قرارداد تأمین نقدینگی باشد، مشتری (مالک اموال منقول و غیرمنقول) می‌تواند با فروش اموال خود به بانک و انجام قرارداد اجاره به شرط تملیک به منابع آزاد دست یابد؛ چون مشتری اقدام به فروش نموده است، مالک مبلغ دریافتی از بانک می‌باشد و می‌تواند آن را در هر کاری استفاده کند؛ این روش تأمین مالی در صکوک اجاره تعریف و بر اساس دستورالعمل صکوک اجاره در بازار سرمایه نهادینه شده و در سال‌های اخیر برای بیش از ده‌ها طرح (مانند هواپیمایی ماهان، شرکت سرمایه‌گذاری امید، بانک سپه، بانک سامان، شرکت جوپار) عملیاتی شده است (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵)؛ بنابراین با استفاده از ظرفیت قرارداد اجاره به شرط تملیک می‌توان به یک روش مناسب تأمین مالی دست یافت و دسترسی به منابع تملیکی یا آزاد را در نظام بانکی نهادینه کرد.

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های منحصر به فرد قرارداد اجاره به شرط تملیک، این قرارداد به عنوان یکی از قراردادهای تملیکی مطرح بوده و با توجه به اینکه مردم و متولیان کسب و کار در ایران به دلایل فرهنگی تمایل زیادی به اموال (به ویژه اموال غیرمنقول دارند) و از طرف دیگر به دلیل اینکه در قرارداد اجاره به شرط تملیک بانک‌ها دارای پایین‌ترین ریسک اعتباری می‌باشند؛ با نهادینه شدن قرارداد اجاره به شرط تملیک در نظام بانکی با هدف بهره‌گیری مشتریان از دارایی‌های بدون بازده خود و تبدیل دارایی‌های ثابت قفل شده

متولیان کسب‌وکار به نقدینگی و حتی امکان انجام سرمایه‌گذاری بلندمدت در ایجاد پروژه‌های تولیدی و خدماتی، امکان پرداخت بدهی غیرجاری مشتریان و ... از این طریق، یکی از مهم‌ترین تنگناهای نظام بانکی در تدارک منابع تملیکی یا آزاد برای مشتریان مرتفع شده و قراردادهای مستندات صوری در نظام بانکی به حداقل خواهد رسید.

با توجه به اینکه بیشتر مشتریان بدهکار مالک دارایی‌های ثابت هستند، قرارداد اجاره به شرط تملیک این ظرفیت را دارد که بانک با خرید این دارایی‌ها و دادن اجاره به شرط تملیک نسبت تسویه بدهی اقدام نماید؛ بانک مرکزی نیز می‌تواند با تدوین دستورالعمل مربوطه گام عملیاتی در این خصوص بردارد و به بانک‌ها در این عرصه کمک نماید.

قرارداد سلف

اگر در قرارداد بیع برای تحویل مبیع مدت تعیین شود، معامله را بیع «سلف» یا «سلم» می‌گویند؛ سلف (سلم) در لغت به معنی پیش‌خرید می‌باشد و به معامله‌ای گویند که ثمن نقد و فی‌المجلس پرداخت و مبیع در ذمه و مؤجل باشد؛ منظور از معامله سلف پیش‌خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین می‌باشد؛ بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش فعالیت‌های تولیدی، مبادرت به پیش‌خرید محصولات تولیدی آنها نمایند. ویژگی‌های فقهی قرارداد سلف در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های قرارداد سلف

- انتقال مالکیت اموال منقول و غیرمنقول (پیش‌خرید شده) به بانک؛
- پرداخت کل ثمن معامله فی‌المجلس به مشتری (فروشنده)؛
- رابطه داین و مدیون بین خریدار (بانک) و فروشنده بعد از معامله؛
- لازم‌بودن قرارداد سلف؛
- نرخ سود با بازده معین یا ثابت؛
- امکان استفاده در همه بخش‌های اقتصادی؛
- امکان تعیین مدت‌زمان (کوتاه‌مدت و میان‌مدت) برای پیش‌خرید؛
- امکان ارائه تخفیف در صورت تحویل قبل از سررسید؛

- عدم نیاز به نظارت‌های دقیق پس از بستن قرارداد؛
- امکان بهره‌برداری از این قرارداد به عنوان منابع یا مصارف تملیکی (آزاد).

آیا قرارداد سلف از قراردادهای تملیکی است؟

معامله سلف از جهت فقهی اطلاق دارد و مقید به این نیست که فروشنده سلف، تولیدکننده نیز باشد؛ به عبارت دیگر، قرارداد سلف از لحاظ شرعی این ظرفیت را دارد که در همه بخش‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد و تنها به دلیل سیاست‌های بانک مرکزی، در بخش تولیدی و تأمین سرمایه در گردش متمرکز شده است؛ بر اساس مبانی فقهی و حتی عرف بازاری، شخصی که در کسب‌وکار خاصی فعالیت بازرگانی می‌کند، می‌تواند (بدون اینکه تولیدکننده محصولی باشد) نسبت به پیش‌فروش کالای مشخص اقدام نموده و خریدار می‌تواند با پرداخت مبلغ مورد نظر فی‌المجلس، کالا را پیش‌خرید نموده و توافق نمایند که در سررسید مشخصی فروشنده کالا را تحویل دهد؛ این موضوع با توجه به قابلیت‌های قرارداد سلف در نظام بانکی نیز می‌تواند اجرایی شود و به دلیل اینکه قرارداد سلف یکی از روش‌های پذیرفته‌شده و شرعی بیع می‌باشد، یکی از روش‌های مناسب تأمین مالی مشتریان حقیقی و حقوقی در بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد بود. با توجه به اینکه در خرید و فروش سلف، رابطه حقوقی بین خریدار و فروشنده، داین و مدیون است، منابع حاصل از فروش سلف برای فروشنده یا مشتری بانک، منابع تملیکی یا آزاد ایجاد می‌کند.

در قرارداد سلف، مشتری با فروش محصول (پیش‌فروش محصول)، منابع تملیکی یا آزاد به دست می‌آورد و می‌تواند با حق مالکیتی که بر آن مبلغ دارد، تسهیلات را در هر بخشی استفاده نماید؛ در بخشنامه‌های بانک مرکزی ج.ا.ا. محدودیت‌هایی برای این قرارداد بار شده و موجب شده است از تمام قابلیت‌ها و ظرفیت‌های شرعی این قرارداد در نظام بانکی استفاده نشود؛ با توجه به اینکه مشتریان در تعامل با نظام بانکی می‌توانند در بخش‌های مختلف اقتصادی اقدام به پیش‌فروش اموال منقول و غیرمنقول نمایند و با کم‌ترین دغدغه شرعی منابع تملیکی یا آزاد به دست آورند، به نظر می‌رسد نظام بانکی

می‌تواند با انجام اصلاحات بایسته در آئین‌نامه‌ها، از ظرفیت فقهی قرارداد سلف به‌نحو مطلوب‌تری استفاده نماید.

برخی از مشتریان بدهکار واجدالشرايط نظام بانکی به دلیل تولید زیر ظرفیت اسمی قادر به بازپرداخت تسهیلات نیستند و بانک‌ها به دلیل عدم احراز نیاز واقعی بنگاه اقتصادی به سرمایه در گردش و عدم تحویل فاکتور، مشکلات اجرایی دارند و یا صورتی‌سازی می‌کنند که با عملیاتی‌نمودن قرارداد سلف می‌توان به حل مشکلات مطالبات غیرجاری اقدام نمود؛ این قرارداد در بازار سرمایه برای تأمین مالی طرح‌های بزرگ و در قالب اوراق سلف موازی کاربرد دارد و در نظام بانکی می‌توان با اصلاح در بخشنامه‌های مربوطه استفاده گسترده‌تری از این قرارداد نمود و ضمن وصول مطالبات از معاملات صورتی پرهیز کرد.

قرارداد خرید دین

یکی از مسائل مهم دین واقعی، امکان خرید و فروش دیون و مطالبات مدت‌دار است؛ اگر ببع دین خصوصاً به کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (تنزیل) صحیح باشد، راهکار مهمی جهت تأمین مالی در اختیار دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد، دولت و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبات مدت‌دار خود از شرکت‌ها، مؤسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت اسناد متحدالشکل درآورده و هرگاه لازم شود در بازار به فروش رسانند و از این طریق نیازهای کوتاه‌مدت خود را به نقدینگی تأمین کنند؛ مشهور فقهای شیعه ببع دین را جایز می‌شمارند (موسویان، ۱۳۸۷ الف).

ویژگی‌های قرارداد خرید دین

- انتقال مالکیت دین از مشتری یا مالک دین به بانک؛
- پرداخت مبلغ اسمی دین با قیمتی پایین‌تر به مشتری (فروشنده دین)؛
- رابطه داین و مدیون بین خریدار و فروشنده بعد از معامله؛
- لازم‌بودن قرارداد خرید دین؛
- نرخ سود با بازده معین یا ثابت؛
- امکان استفاده در همه بخش‌های اقتصادی؛

- کوتاه‌مدت بودن قرارداد خرید دین؛
- امکان ارائه تخفیف قبل از سررسید؛
- عدم نیاز به نظارت‌های دقیق پس از انعقاد قرارداد، بر اساس مبانی فقهی این قرارداد؛
- امکان بهره‌برداری از این قرارداد به عنوان منابع یا مصارف تملیکی (آزاد).

آیا قرارداد خرید دین از قراردادهای تملیکی است؟

بیع دین یکی از انواع بیع می‌باشد که با تنزیل اسناد بدهی، داین به منبع مالی آزاد دست‌یافته و مدیون نیز موظف می‌شود معادل مبلغ اسناد مذکور را ظرف مدت معینی به بانک عامل پرداخت نماید؛ شناخت و کاربرد کردن چنین ابزارهای مالی که با موازین شرعی و معیارهای اقتصاد اسلامی مطابقت دارد موجب تنوع و انعطاف‌پذیری بیشتر قراردادها در بانکداری اسلامی می‌شود؛ با توسعه بازارها و استفاده روزافزون از خریدوفروش اعتباری در معاملات و مبادلات کسب‌وکارهای مختلف، دین واقعی در دست متولیان اقتصادی زیاد شده و به عنوان یک دارایی در دفاتر آنها ثبت می‌شود؛ این دارایی بر اساس مبانی فقهی خریدوفروش دین، قابلیت فروش به شخص ثالث از جمله نظام بانکی را دارد که در نظام بانکی برای کلیه بخش‌های اقتصادی کشور اجرایی می‌باشد؛ صاحبان دیون واقعی می‌توانند با فروش دین خود به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، به منابع تملیکی یا آزاد دست‌یابند؛ بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز می‌توانند نسبت به فروش دیون خریداری‌شده و یا سایر دیون واقعی خود اقدام و به منابع تملیکی یا آزاد دست‌یابند. با توجه به اینکه شرط اساسی بهره‌گیری از خرید دین در نظام بانکی از دیدگاه شریعت، اطمینان از واقعی بودن دین و ارتباط با اقتصاد حقیقی است؛ بنابراین ایجاد سازوکارهای لازم برای اطمینان از واقعی بودن دین خریداری‌شده به عنوان یک اصل اساسی بایستی مطمح‌نظر باشد.

قرارداد خرید دین در تأمین مالی خرد و کلان در نظام بانکی کاربرد داشته و راهکار مناسبی برای ایجاد منابع تملیکی قلمداد می‌شود؛ این قرارداد در بازار سرمایه به‌ویژه در بازار ثانویه صکوک بیشترین کاربرد را داشته و بیشتر صکوک اسلامی منتشرشده بدون وجود این قرارداد قابلیت معامله در بازار ثانویه را نخواهند داشت.

قرارداد مرابحه

با توسعه اسناد تجاری موردقبول برای اعطای تسهیلات در قالب قرارداد خرید از جمله پذیرش اسنادی که بنگاه‌های اقتصادی بابت دریافت طلب از سازمان‌های دولتی و ... دارند یا تقویت فروش اقساطی بنگاه اقتصادی و خرید اسناد تجاری آنها می‌توان در وصول مطالبات به بدهکاران واجدالشرايط کمک کرد.

ویژگی‌های قرارداد مرابحه

- انتقال مالکیت کالا یا خدمت فروخته‌شده به خریدار؛
- رابطه داین و مدیون بین خریدار و فروشنده (بانک) بعد از معامله؛
- لازم‌بودن قرارداد مرابحه؛
- نرخ سود با بازده معین یا ثابت؛
- امکان استفاده در همه بخش‌های اقتصادی؛
- امکان تعیین سررسیدهای مختلف برای بازپرداخت تسهیلات؛
- امکان ارائه تخفیف در صورت پرداخت اقساط قبل از سررسید؛
- نظارت بر مصرف تسهیلات اعطایی تا مرحله تملیک کالا توسط خریدار؛
- امکان بهره‌برداری از این قرارداد به عنوان منابع یا مصارف تملیکی (آزاد).

آیا قرارداد مرابحه از قراردادهای تملیکی است؟

قرارداد مرابحه دارای یک‌سری ویژگی‌هایی است که می‌توان بحث به‌دست‌آوردن منابع تملیکی (آزاد) را به دو بخش تقسیم کرده و مورد بررسی قرار داد:

فروش کالای خریداری‌شده از طریق تسهیلات مرابحه: برای تحقق قرارداد مرابحه، ابتدا باید بانک منابع را به صورت وکالتی در اختیار متقاضی قرار دهد و متقاضی به وکالت از بانک، کالای موردنظر را خریداری نماید و پس از خریداری که ملکیت او تثبیت شد می‌تواند آن کالا را فروخته و منابع آزاد به‌دست آورد؛ کالای مورد مرابحه تا زمان تملیک آن از طرف خریدار، نمی‌تواند به منابع آزاد تبدیل شود و هر اقدامی در این زمینه، سبب صوری شدن قرارداد شده و دارای مشکلات شرعی و قانونی است؛ ولی پس از اینکه مالکیت کالای مورد مرابحه به خریدار یا مشتری منتقل گردید، مالک کالا یا مشتری

می‌تواند اموال خریداری شده خود را به فروش برساند و از این طریق به منابع تملیکی یا آزاد دست‌یابد. این موضوع از دیدگاه شرعی دارای مشکل نبوده؛ ولی از لحاظ قانونی ممکن است مغایر با سیاست‌گذاری بانک مرکزی باشد و منابع به صورت هدفمند به آن بخش هدایت نشود؛ براین اساس، می‌توان در این مورد عنوان نمود که قرارداد مباحه از لحاظ شرعی ظرفیت تبدیل شدن به منابع تملیکی یا آزاد را دارد و بنابراین می‌توان در مواقع مورد نیاز و با فراهم نمودن سازوکارهای لازم از این ظرفیت بهره‌برداری نمود.

سازوکاری که در بخش قبلی مطرح شد؛ همان عملکرد قرارداد تورق را دارد که شخص به صورت نسبه یک کالایی را خریداری می‌نماید و سپس به صورت نقد آن را به شخص ثالثی می‌فروشد و از این طریق می‌توان منابع آزاد برای مشتری تدارک دید؛ اما به دلیل اینکه این قرارداد در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیست، می‌توان از ظرفیت قرارداد مباحه پس از مالکیت کالا توسط متقاضی تسهیلات استفاده نمود (نظریور و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰).

خرید مجدد کالای فروخته شده مباحه از طرف بانک: در قرارداد مباحه (فروش اقساطی) نیز می‌توان با فروش اموال به بانک و سپس خرید آن، به منابع تملیکی (آزاد) دست یافت. اگر فروش نسبه کالا به خریدار یا مشتری با شرط خرید مجدد آن توسط فروشنده یا بانک صورت پذیرد، مصداق بیع‌العینه پیدا کرده و دارای مشکل فقهی از نگاه فقیهان اهل سنت و امامیه است و صحیح نمی‌باشد؛ ولی چنانچه بیع انجام شود و بعد از تملیک و با اختیار صاحب اموال (خریدار یا مشتری) و بدون شرط ضمن قرارداد بیع اول، فروشنده اقدام به خرید کالای مورد نظر نماید دارای مشکل شرعی نخواهد بود؛ نکته حائز اهمیت اینکه، رفع مشکل شرعی نافی ریسک حاکم در این موضوع نبوده و بایستی ریسک نکول در این زمینه مدیریت شود.

کاربرد این قرارداد با توجه به وسعت آن در تأمین مالی خرد و کلان نظام بانکی به‌ویژه برای بانک‌های تجاری (با ماهیت تسهیلات کوتاه‌مدت) کاربرد زیادی دارد و مبنای قراردادی کارت اعتباری می‌باشد؛ این قرارداد در بازار سرمایه برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی بزرگ کاربرد داشته و در کشورمان نیز صکوک مباحه در سال‌های اخیر منتشر شده است.

قرارداد استصناع

استصناع قراردادی است بین دو شخص اعم از حقیقی و حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا اجرای پروژه‌ای با ویژگی‌های مشخص در آینده است که سفارش‌گیرنده (پیمانکار) در برابر گرفتن مبالغ آن در زمان‌های توافق‌شده که بخشی از آن می‌تواند به صورت نقد و بخشی از آن به صورت اقساط به تناسب پیشرفت فیزیکی کار و یا حتی مستقل از آن باشد، بر اساس زمان‌بندی کوتاه‌مدت یا بلندمدت متعهد می‌شود مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز برای اجرای پروژه را مستقیماً خود تهیه و در زمان مشخص کالا یا پروژه موردنظر را ساخته و به سفارش‌دهنده تحویل دهد.

ویژگی‌های قرارداد استصناع

- انتقال مالکیت اموال ساخته‌شده از بانک به مشتری؛
- پرداخت مبلغ یا قیمت تمام‌شده اموال ساخته‌شده به پیمانکار/ سازنده؛
- رابطه داین و مدیون بین خریدار و فروشنده بعد از معامله؛
- لازم‌بودن قرارداد استصناع؛
- نرخ سود با بازده معین یا ثابت؛
- امکان استفاده در بخش‌های تولیدی (ساخت)؛
- میان‌مدت و بلندمدت بودن قرارداد استصناع؛
- امکان ارائه تخفیف قبل از سررسید؛
- الزام قانونی برای نظارت بر مصرف تسهیلات اعطایی برای ساخت؛
- امکان بهره‌برداری از این قرارداد به عنوان منابع یا مصارف تملیکی (آزاد) برای پیمانکار/ سازنده.

آیا قرارداد استصناع از قراردادهای تملیکی است؟

در قرارداد استصناع، نخست بانک با مشتری یا متقاضی اجرای طرح یا سرمایه‌گذار (کارفرما) اصلی وارد مذاکره شده و بعد از بررسی‌های فنی، مالی و اقتصادی و توجیه‌پذیر بودن پروژه، در یک قیمت مشخص برای تحویل طرح یا کالای سفارش‌داده‌شده در زمان مشخص به توافق می‌رسد؛ بانک با این توافق در خصوص انعقاد قرارداد استصناع

اول، اقدامات لازم را برای انتخاب پیمانکار یا پیمانکاران مختلف برای اجرای پروژه یا ساخت کالای مورد نظر مشتری انجام و در صورت توافق نهایی برای انعقاد استصناع دوم، (ترجیحا) به صورت هم‌زمان قرارداد استصناع اول و دوم را منعقد می‌نماید؛ بانک در قالب استصناع دوم و بر اساس میزان پیشرفت کار انجام شده توسط پیمانکار/ سازنده به پرداخت منابع اقدام می‌نماید؛ این منابع پرداختی به پیمانکار/ سازنده به عنوان منابع آزاد مطرح می‌باشد و تعهد پیمانکار/ سازنده تنها برای تحویل طرح یا کالای مورد سفارش با کمیت و کیفیت مورد توافق می‌باشد؛ ویژگی‌های فقهی قرارداد استصناع در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش دیگری که در قرارداد استصناع، مشتری بانک می‌تواند به منابع آزاد دست‌یابد؛ بعد از اتمام پروژه و تحویل آن به مشتری می‌باشد؛ با تحویل پروژه یا کالای ساخته شده به مشتری در قالب استصناع اول، بانک مال را به ملکیت مشتری درآورده و مبلغ قرارداد را به صورت اقساطی دریافت می‌کند و رابطه بانک و مشتری، داین و مدیون می‌باشد؛ براین اساس مشتری می‌تواند با فروش نقدی کالای ساخته شده استصناع، به منابع آزاد دست‌یابد؛ به عبارت دیگر با توجه به ویژگی‌های قرارداد استصناع، به دلیل اینکه در این قرارداد مشتری یا کارفرما سفارش ساخت اموال خاصی را در قالب قرارداد استصناع اول به بانک می‌دهد و بانک با توجه به قرارداد استصناع دوم به صورت مرحله‌ای به پیمانکار پرداخت می‌نماید؛ پس از اینکه موضوع استصناع محقق شد و بانک اموال ساخته شده را تحویل کارفرما یا مشتری داد، مالک اموال (مشتری) می‌تواند نسبت به فروش موضوع استصناع (همانند مرابحه یا فروش اقساطی) اقدام نماید و بدون محدودیت شرعی به منابع یا مصارف تملیکی (آزاد) دست‌یابد؛ استفاده از این روش در خصوص وصول مطالبات غیرجاری بانک‌ها کارایی نداشته و برای ایجاد منابع تملیکی مطرح شده است؛ کاربرد این قرارداد در نظام بانکی در حال حاضر به دلیل نوپا بودن آن، کاربرد کمتری دارد و در بازار سرمایه می‌تواند برای تأمین مالی طرح‌های بزرگ اقتصادی به کار گرفته شود.

۳. قراردادهای مشارکتی

قراردادهای مشارکتی شامل تسهیلات مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مزارعه و مساقات می‌باشد؛ فعالیت این گروه بر مبنای مشارکت و به قصد انتفاع صورت می‌پذیرد و بازده حاصل از آن، طبق توافق طرفین و بر اساس نسبت‌های مورد توافق تقسیم می‌شود. در این بخش به بررسی قراردادهای مشارکتی و تملیکی بودن هر کدام از آنها پرداخته می‌شود؛ بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان داد که تنها قراردادهای مشارکت مدنی تناقصی (کاهنده) و مشارکت حقوقی قابلیت ایجاد منابع تملیکی را دارد؛ بنابراین از طرح سایر قراردادهای مشارکتی پرهیز شده است.

قرارداد مشارکت مدنی

انواع مشارکت مدنی بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغی از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شامل مشارکت مدنی بازرگانی، مشارکت مدنی مسکن، مشارکت مدنی طرح‌های تولیدی، مشارکت مدنی خرید ماشین‌آلات، مشارکت مدنی وارداتی و مشارکت مدنی صادراتی می‌باشد؛ یکی از مواردی که بر اساس ضوابط بانک مرکزی نمی‌توان در آن مشارکت نمود، مشارکت در دارایی ثابت (اموال) است که برخلاف شفاف بودن موضوع در قانون عملیات بانکی بدون ربا و دستورالعمل قرارداد مشارکت مدنی، بانک مرکزی بنابه دلایلی موافق این موضوع نیست.

ویژگی‌های قرارداد مشارکت مدنی

- شراکت بانک از طریق پرداخت سهم‌الشرکه در موضوع مشارکت مدنی؛
- امکان استفاده از سهم‌الشرکه غیرنقدی در مشارکت مدنی؛
- الزام شریک برای به‌کارگیری سرمایه برای موضوع مشارکت مدنی؛
- رابطه حقوقی شراکت بین بانک و مشتری؛
- جایز بودن قرارداد مشارکت مدنی؛
- نرخ سود نامشخص یا نرخ سود مورد انتظار؛
- تضمین اصل سرمایه بانک از طرف شریک؛
- امکان استفاده در کلیه بخش‌های اقتصادی؛

- کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بودن قرارداد مشارکت مدنی؛
- عدم امکان ارائه تخفیف قبل از سررسید؛
- الزام شرعی برای نظارت بر مصرف تسهیلات اعطایی؛
- امکان بهره‌برداری محدود از این قرارداد به عنوان منابع تملیکی (آزاد) برای مشتری.

آیا قرارداد مشارکت مدنی از قراردادهای تملیکی است؟

با توجه به اینکه در قرارداد مشارکت مدنی، بانک با مشتری برای ایجاد یا تحقق موضوع مشارکت، شریک می‌شوند؛ منابع یا تسهیلات پرداختی به مشتری بایستی برای تحقق موضوع مشارکت استفاده شود و بانک از لحاظ قانونی موظف به نظارت بر روند تحقق موضوع مشارکت می‌باشد؛ بنابراین از لحاظ ماهیت قرارداد مشارکت مدنی، بانک نمی‌تواند منابع تملیکی یا آزاد در اختیار مشتری یا شریک قرار دهد؛ تنها موردی که بانک می‌تواند با مشتری شریک شده و منابع آزاد در اختیار شریک قرار دهد، مشارکت در دارایی ثابت یا اموال می‌باشد؛ این نوع مشارکت نیز در ضوابط بانک مرکزی دارای ممنوعیت است؛ بانک مرکزی می‌تواند با عمل به دستورالعمل مصوب مشارکت مدنی، در اموال نیز مشارکت نموده و منابع تملیکی یا آزاد در اختیار مشتری یا شریک قرار دهد؛ فرایند این موضوع به این صورت قابل اجرا می‌باشد؛ همچنان‌که یک نفر بر حسب نیاز به نقدینگی، در عالم واقع در بازار کسب‌وکار، اقدام به فروش بخشی از دارایی ثابت یا اموال خود می‌نماید و با خریدار شریک می‌شود، بانک نیز می‌تواند با خرید بخشی از اموال مشتری با وی شریک شده و بر اساس مبانی حاکم بر دارایی ثابت یا اموال مربوطه، بابت سهم مالکانه خود از شریک، اجاره (سود) دریافت نماید؛ هر زمانی که وضعیت مالی شریک بهتر شد، می‌تواند با پرداخت مبلغ مورد نظر به بانک، سهم‌الشرکه خود را از اموال مشاعی افزایش دهد (احمدی سلمانی، ۱۳۹۰، ص ۵۴)؛ در صورت اجرایی شدن این موضوع در نظام بانکی، نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی به نقدینگی و برای پرداخت دیون خود، از این روش مرتفع شده و مشکلات قراردادهای صورتی به حداقل می‌رسد.

مشارکت تناقصی (کاهنده)

یکی از روش‌های ایجاد منابع تملیکی در قالب قرارداد مشارکت مدنی، بهره‌گیری از مشارکت تناقصی یا کاهنده می‌باشد؛ در این روش، دو شخص حقیقی یا حقوقی با سرمایه مشترک به اجرا یا خرید طرحی اقدام می‌کنند و در ضمن قرارداد توافق می‌کنند پس از اجرا یا خرید پروژه، یک طرف حق داشته باشد سهم شریکش را به صورت یکجا یا تدریجی و طی اقساط معین خریداری کند؛ ممکن است وی بهای آن را از منافع همین طرح بپردازد، همان‌گونه که امکان پرداخت بها از مال دیگر وجود دارد؛ به عبارت دیگر «مشارکت کاهنده قرارداد شرکتی است که به موجب آن طرفین ضمن قرارداد توافق می‌کنند یکی از شریکان به تدریج سهم‌الشرکه شریک دیگر را تملک کند» (معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲).

قرارداد مشارکت مدنی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن این قابلیت را دارد که موضوع مشارکت برای سهام‌شدن در یک دارایی ثابت باشد؛ ولی بانک مرکزی به دلیل سیاست‌های اعتباری و دلایل خاص خود این موضوع را در بانک‌ها اجرایی نکرده است. با توجه به اینکه بیشتر مشتریان بدهکار واجد شرایط، دارای دارایی ثابت هستند بانک‌ها می‌توانند به راحتی در این اموال شریک شده و نسبت به تسویه بدهی خود اقدام نمایند و به صورت کاهنده سهم خود را با وصول اقساط کاهش دهند و مشکل مطالبات غیرجاری مشتری را مدیریت نمایند؛ این موضوع می‌تواند در پژوهش‌های آتی مطرح شده و مورد بررسی قرار گیرد تا از ظرفیت‌های قرارداد مشارکت بتوان استفاده بیشتری نمود.

قرارداد مشارکت حقوقی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر اساس تصمیمات مجمع عمومی بانک‌ها (صورت جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۲)، انعقاد قراردادهای مشارکت حقوقی در نظام بانکی را ممنوع نموده و موضوع را منوط به گرفتن مجوز از آن بانک کرده است (نامه شماره م/ب/۱۸۲ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶) و عملکرد بانک‌ها، نشان‌دهنده عدم صدور مجوز برای به‌کارگیری مشارکت حقوقی می‌باشد.

ویژگی‌های قرارداد مشارکت حقوقی

- انتقال مالکیت سهام شرکت به بانک به صورت ثبت اسناد رسمی؛
- پرداخت منابع یا تسهیلات به مشتری یا فروشندگان سهام؛
- عدم الزام مشتری برای به‌کارگیری تسهیلات در فعالیت خاص؛
- رابطه حقوقی شراکت بین بانک و مشتری یا شریک؛
- لازم‌بودن قرارداد مشارکت مدنی؛
- نرخ سود نامشخص یا نرخ سود مورد انتظار؛
- امکان استفاده در کلیه بخش‌های اقتصادی؛
- عدم نیاز به نظارت‌های دقیق بر اساس مبانی فقهی این قرارداد؛
- قرارداد مناسب برای ایجاد منابع تملیکی (آزاد).

آیا قرارداد مشارکت حقوقی از قراردادهای تملیکی است؟

در مشارکت حقوقی، بانک به عنوان خریدار واقعی اقدام به خرید سهام شرکت سهامی می‌نماید و به صورت واقعی مالکیت خود را به ثبت می‌رساند؛ این قرارداد، از بهترین قراردادهای مشارکتی برای تحقق مشارکت واقعی در بانک‌ها و یکی از کارآمدترین روش‌های ایجاد منابع تملیکی یا آزاد برای مشتریان می‌باشد؛ محدودیت بانک مرکزی در خصوص قرارداد مشارکت حقوقی می‌تواند برای موارد خاص از جمله برای وصول مطالبات غیرجاری بانک برداشته شود تا بانک‌ها بتوانند از این طریق بخشی از مطالبات غیرجاری خود را از اشخاص حقوقی وصول نمایند (نظریور و کشاورزیان، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

۴. قراردادهای تعهدی

این گروه خدماتی را دربرمی‌گیرد که پرداخت آن منوط به انجام کار یا انجام تعهدی مشخص است و معمولاً انجام عملی معین در مقابل اجرتی معلوم و یا پذیرش تعهدی مشخص، بنابه درخواست متقاضی در قالب قرارداد جعاله می‌باشد.

قرارداد جعاله

در قرارداد جعاله مشتری به عنوان جاعل (کارفرما) به بانک (عامل) مراجعه می‌نماید و تقاضای انجام کار و خدمت مشخصی - مانند انجام تعمیرات و ... - را با شرط پرداخت

کارمزد یا جُعَل به صورت اقساطی می‌نماید؛ بانک بایستی بر اساس این تقاضای مشتری، پیمانکاری را برای انجام کار یا خدمت موردنظر مشتری انتخاب و با پرداخت کارمزد یا جُعَل نقدی، به وظیفه‌عاملی خود عمل نماید (مابه‌التفاوت جُعَل نسیه و نقدی سود بانک می‌باشد)؛ بانک به جای انتخاب پیمانکار، به خود مشتری وکالت می‌دهد تا پیمانکار موردنظر خود را انتخاب و از طریق تسهیلات یا منابع بانک، کارمزد یا جُعَل نقدی پیمانکار را پرداخت و نسبت به تسویه آن به صورت نسیه یا اقساطی به بانک اقدام نماید.

ویژگی‌های قرارداد جعاله

- انجام کار یا خدمت مشخص توسط بانک و گرفتن کارمزد؛
- پرداخت کارمزد یا جُعَل به پیمانکار/ سازنده به صورت نقدی و گرفتن آن از مشتری به صورت نسیه؛
- رابطه داین و مدیون بین بانک (عامل) و مشتری (جاعل)؛
- جایز بودن قرارداد جعاله؛
- نرخ سود با بازده معین یا ثابت؛
- امکان استفاده در بخش‌های مختلف اقتصادی؛
- کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بودن قرارداد جعاله؛
- امکان ارائه تخفیف سود قبل از سررسید؛
- الزام قانونی برای نظارت بر مصرف تسهیلات اعطایی برای انجام کار یا خدمت؛
- امکان بهره‌برداری از این قرارداد به عنوان منابع یا مصارف تملیکی (آزاد).

آیا قرارداد جعاله از قراردادهای تملیکی است؟

تسهیلات اعطایی بانک‌ها در قالب قرارداد جعاله خاص انجام شده و به دلیل اینکه بایستی یک کار یا خدمت مشخص برای مشتری به عنوان جاعل انجام شود، ایجاد منابع تملیکی یا آزاد برای مشتری بانک از طریق این قرارداد ممکن نیست؛ چنان‌که بانک به صورت مستقیم نسبت به پرداخت مبلغ جُعَل به پیمانکار یا سازنده اقدام نماید، مبلغ دریافتی پیمانکار (نه مشتری) را می‌توان به عنوان منابع تملیکی قلمداد کرد؛ کاربرد این قرارداد معمولاً در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و رفع احتیاجات شخصی می‌باشد.

برخی از قراردادهای اسلامی در بازار کسب و کار و نظام بانکی کشور منابع اذنی ایجاد می‌نمایند که به دلیل اینکه این منابع نمی‌تواند در وصول مطالبات غیرجاری کاربرد داشته باشد و به بانک و مشتری کمک نمی‌کند، در این مقاله تشریح نشده است.

نقش منابع تملیکی در وصول مطالبات غیرجاری بانکها

منابع تملیکی (آزاد) برای مشتریان نظام بانکی از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت حیاتی است؛ این نوع تأمین مالی نه تنها دغدغه‌های شرعی و اعتقادی نظام بانکی را در رعایت مسائل شرعی و مهم‌تر از آن نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات اعطایی کاهش می‌دهد، بلکه برای مشتریان بانکها نیز به دلیل دستیابی به منابع آزاد فارغ از دغدغه‌های شرعی و مستندات غیرواقعی دارای اهمیت بوده و تجربه نظام بانکی نشان می‌دهد که هم بانکها و هم مشتریان از این نوع تأمین مالی استقبال می‌کنند؛ نکته‌ای که بر اهمیت موضوع منابع تملیکی می‌افزاید، نسبت بالای مطالبات غیرجاری در نظام بانکی و فقدان قراردادها و ابزارهای قانونی لازم برای وصول مطالبات غیرجاری از مشتریان بدحساب به‌ویژه از واحدهایی که فعالیت اقتصادی در زمینه تسهیلات گرفته شده ندارند.

تعریف شاخص برای مقایسه قراردادها در ایجاد منابع تملیکی

با بررسی‌هایی که در بخش‌های قبلی مقاله انجام شد، قابلیت و ظرفیت قراردادهای اسلامی در ایجاد منابع تملیکی (آزاد) از دیدگاه فقهی، قانونی و عملیاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ با توجه به اینکه منابع تملیکی در نظام بانکی برای مشتریان دارای بدهی غیرجاری، می‌تواند به عنوان راهکار عملیاتی برای پرداخت بدهی غیرجاری مطرح باشد، در این قسمت بر اساس یک سری از شاخص‌های مهم به امتیازدهی قراردادهای مختلف در ایجاد منابع آزاد برای مشتریان پرداخته می‌شود؛ شاخص‌های مورد بررسی در دامنه امتیازی ۱ (بدترین وضعیت) تا ۱۰ (بهترین وضعیت) می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد؛ برخی از شاخص‌های مهم در این بخش ارائه شده است:

مقبولیت قانونی: هر یک از قراردادهای مورد بررسی در بخش قبل، بر اساس قوانین و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای یک‌سری محدودیت‌های قانونی برای

تبدیل شدن به راهکاری برای ایجاد منابع آزاد می‌باشند که با شاخص مقبولیت قانونی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مشروعیت فقهی: با عنایت به اینکه قراردادهای مختلف از لحاظ فقهی دارای مشروعیت متفاوتی هستند، یکی از شاخص‌های مورد بررسی در ایجاد منابع تملیکی (آزاد)، داشتن مشروعیت فقهی هر قراردادی می‌باشد.

پوشش بخش اقتصادی: ماهیت برخی از قراردادهای اسلامی به نحوی است که برای بهره‌مندی در کلیه بخش‌های اقتصادی کشور کاربرد دارد و این به عنوان یک مزیت برای ایجاد منابع تملیکی مطرح می‌باشد و برعکس.

توجه بانکی: برخی از قراردادهای اسلامی در نظام بانکی به دلیل داشتن وثایق و تضمین‌های کافی دارای ریسک پایین اعتباری و عملیاتی بوده و بانک‌ها تمایل زیادی به بستن این نوع قراردادها برای ایجاد منابع آزاد برای مشتریان می‌باشند.

سادگی فرایند بانکی: سادگی و سرعت فرایند اعطای تسهیلات برای ایجاد منابع تملیکی نیز به عنوان یک شاخص مطرح است که در مقایسه بین قراردادها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مقایسه قراردادها بر اساس شاخص‌های تعریف‌شده در ایجاد منابع تملیکی

در این بخش به بررسی هرکدام از قراردادهای اسلامی تعریف‌شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایجاد منابع تملیکی یا آزاد برای پرداخت تسهیلات با هدف تسویه مطالبات غیرجاری مشتریان پرداخته می‌شود؛ هرکدام از قراردادها با توجه به وضعیت موردنظر شاخص‌های تعریف‌شده، امتیاز مربوطه را دریافت نموده و با توجه به ضریب هر شاخص امتیاز کلی محاسبه می‌شود؛ قراردادهایی که بالاترین امتیاز را کسب نمایند، قابلیت بالایی در ایجاد منابع تملیکی داشته و می‌توان در سامان‌دهی مطالبات غیرجاری بانک‌ها از این قراردادها بهره‌برداری نمود. لازم به یادآوری است که استخراج این امتیازات به لحاظ مبانی علمی و فقدان بهره‌گیری از پرسشنامه استاندارد و عدم دریافت نظرات گروه خبرگان دارای خطا می‌باشد؛ ولی به دلیل اینکه رسالت اصلی این مقاله، معرفی مبانی تملیکی و نحوه بهره‌برداری از آن در قراردادهای اسلامی می‌باشد، این امکان برای گروه تحقیق وجود

نداشت که به کار پژوهشی بر اساس روش دلفی اقدام نماید که امید است در پژوهش‌های آتی این موضوع مورد بررسی دقیق قرار گیرد. نتایج بررسی‌های انجام‌شده در خصوص مقایسه قراردادهای اسلامی بر اساس شاخص‌های تعریف‌شده در ایجاد منابع تملیکی با هدف سامان‌دهی مطالبات غیرجاری بانک‌ها در جدول شماره یک به تصویر کشیده شده است.

جدول ۱: مقایسه قراردادهای بر اساس شاخص‌های تعریف‌شده در ایجاد منابع تملیکی

ردیف	شرح	مقبولیت قانونی	مشروعیت فقهی	پوشش بخش اقتصادی	توجیه بانکی	سادگی فرایند بانکی	جمع امتیازها با اعمال ضرایب
	ضریب امتیاز	۳	۱	۲	۲	۱	
۱	خرید دین	۹	۷	۱۰	۸	۹	۷۹
۲	اجاره به شرط تملیک	۶	۹	۱۰	۱۰	۹	۷۶
۳	سلف	۶	۹	۱۰	۷	۹	۷۰
۴	مشارکت تناقصی	۶	۸	۹	۷	۸	۷۰
۵	مشارکت حقوقی	۵	۹	۹	۹	۸	۶۸
۶	قرض الحسنه	۷	۹	۱۰	۲	۱۰	۶۴
۷	مرابحه	۴	۸	۹	۸	۶	۵۹
۸	جعاله	۴	۸	۸	۷	۸	۵۸
۹	استصناع	۴	۸	۶	۶	۴	۵۳

میزان تسهیلات اعطایی به تفکیک قراردادهای اسلامی

بر اساس ماده سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها تنها از طریق قراردادهای اسلامی می‌توانند نسبت به تأمین مالی مشتریان اقدام نمایند؛ با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله، بررسی میزان واقعی تسهیلات پرداختی در قالب قراردادهای اسلامی در نظام بانکی کشور و تفکیک قراردادهایی که منابع تملیکی ایجاد می‌کنند،

می‌تواند در ارائه تصویری از وضعیت عملکردی نظام بانکی مفید باشد؛ البته بایسته یادآوری است که درصد ناچیزی از قراردادها با قابلیت ایجاد منابع تملیکی در حال حاضر صرف وصول مطالبات غیرجاری می‌شود و یکی از اهداف این تحقیق سازماندهی نهادهای مختلف نظام بانکی برای بهره‌گیری از این فرصت حاکم بر برخی قراردادهای اسلامی است. میزان تسهیلات پرداختی به تفکیک قراردادهای اسلامی در جدول شماره دو نشان داده شده است.

جدول ۲: میزان تسهیلات پرداختی به تفکیک قراردادها اسلامی هزار میلیارد ریال

میزان تسهیلات اعطایی	اسفند ۱۳۹۴	سهم (درصد)
قرض الحسنه (منابع تملیکی)	۳۶۶	۵
سلف (منابع تملیکی)	۲۶	۰/۴
اجاره به شرط تملیک (منابع تملیکی)	۱۷	۰/۲
مرابحه و فروش اقساطی (با تحقق شرایط خاص - منابع تملیکی)	۲۰۷۰	۲۸/۴
جعاله (با تحقق شرایط خاص - منابع تملیکی)	۳۰۶	۴/۲
استصناع (با تحقق شرایط خاص - منابع تملیکی)	۰	۰
مشارکت مدنی (با تحقق شرایط خاص - منابع تملیکی)	۳۲۰۶	۴۴
مشارکت حقوقی (با تحقق شرایط خاص - منابع تملیکی)	۲۴۹	۳/۴
سرمایه‌گذاری مستقیم	۸۰	۱/۱
مضاربه	۱۷۱	۲/۳
سایر (خرید دین در این بخش ثبت شده است)	۸۰۲	۱۱
جمع کل	۷۲۹۳	۱۰۰

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

آمار و اطلاعات جدول نشان می‌دهد که تنها یک درصد از تسهیلات اعطایی در شبکه بانکی کشور از طریق قراردادهای دارای قابلیت ایجاد منابع مالکیتی پرداخت شده است که

یکی از دلایل اصلی آن نرخ پایین قراردادهای مبادله‌ای در مقایسه با قراردادهای مشارکتی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به فقدان پیشینه و ادبیات موضوع، معرفی منابع تملیکی (آزاد) در نظام تأمین مالی نظام بانکی، به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف مقاله بود که با پرداختن به این موضوع، روش‌های مختلف تأمین مالی در قالب قراردادهای اسلامی برای بانک مرکزی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز مورد بررسی قرار گرفت؛ پس از معرفی نقش منابع تملیکی در تجهیز و تخصیص منابع نظام بانکی، پافشاری مقاله بر نحوه بهره‌گیری از منابع تملیکی در وصول مطالبات غیرجاری قرار گرفت؛ جمع‌بندی مطالب مقاله به صورت اجمالی در این قسمت ارائه می‌شود:

۱. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در خصوص ماهیت و ویژگی‌های منابع تملیکی، یک تعریف از این منابع ارائه شد که عبارت است از: چنانچه منابع گرفته‌شده از نظام بانکی در قالب قراردادهای اسلامی از لحاظ حقوقی در مالکیت گیرنده تسهیلات قرار گرفته و از نظر فقهی و قانونی هیچ‌گونه محدودیتی در استفاده از آن بر عهده مشتری نباشد، این نوع منابع را منابع مالکیتی یا آزاد گویند.

۲. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای تجهیز منابع از قرض‌الحسنه و وکالت (برای سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار) استفاده می‌کنند؛ بانک و مؤسسه اعتباری در قرارداد قرض، منابع کسب‌شده را به مالکیت خود درآورده و رابطه حقوقی حاکم بر قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده، رابطه داین و مدیون بوده و این منابع جزء منابع تملیکی یا آزاد قلمداد می‌شود؛ همچنین برخی از ابزارهای تجهیز منابع نظیر سرمایه، فروش دین، خط اعتباری، بازار بین‌بانکی و صکوک با لحاظ‌نمودن ویژگی منابع تملیکی در مقاله معرفی شد.

۳. بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که قراردادهای مبادله‌ای، تعهدی و قرض‌الحسنه قابلیت ایجاد منابع تملیکی یا آزاد را برای مشتریان دارند؛ از بین قراردادهای مشارکتی نیز تنها قرارداد مشارکت مدنی کاهنده و مشارکت حقوقی، ظرفیت ایجاد منابع تملیکی و آزاد را دارند.

۴. قرض الحسنه، سلف، خرید دین و اجاره به شرط تملیک، قراردادهایی هستند که همواره منابع تملیکی ایجاد می‌کنند و مرابحه، استصناع، جعاله، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی از قراردادهایی هستند که با تحقق یک سری شرایط خاص می‌توانند منابع تملیکی ایجاد نمایند.

منابع و مأخذ

۱. احمدی سلمانی، شهرام؛ الزامات احتیاطی، نظارتی و کفایت سرمایه در مورد حساب‌های سپرده سرمایه‌گذاری مشاع در سود - مورد مطالعه تأمین مالی اسلامی / بانک سپه؛ تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۲. امامی، سیدحسن؛ حقوق مدنی (در ادله اثبات دعوی، اقرار، اسناد، شهادت، امارات، قسم، اصول عملیه)؛ ج ۶، چ ۷، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۵.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ «نماگرهای اقتصادی»؛ تهران: اداره روابط عمومی بانک مرکزی، ش ۸۳، ۱۳۹۵.
۴. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ مجموعه بخشنامه‌های حوزه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.
۵. جمشیدی، سعید؛ بانکداری اسلامی؛ تهران: شکوه اندیشه، ۱۳۷۹.
۶. تسخیری، محمدعلی؛ «جایگاه الفاظ و معانی در قراردادهای مالی»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۸، ۱۳۸۴.
۷. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ مجموعه قوانین پولی و بانکی؛ سال‌های مختلف.
۸. فاضلیان، سیدمحسن و غلامرضا اسلامی بیدگلی؛ «معرفی روش‌های تأمین مالی اسلامی مسکن»؛ فصلنامه صادق، ش ۲۵، ۱۳۸۴.

۹. فرزین‌وش، اسدالله و دیگران؛ بررسی قراردادها در بانکداری اسلامی؛ چ ۲، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۳.
۱۰. قانون عملیات بانکی بدون ربا؛ مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۱. معصومی‌نیا، غلامعلی و مصطفی شهیدی‌نسب؛ «بررسی فقهی و اقتصادی ابزار تأمین مالی مشارکت کاهنده»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۵، ۱۳۸۸.
۱۲. موسویان، سیدعباس؛ ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)؛ چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ الف.
۱۳. _____؛ فرهنگ اصطلاحات فقهی و حقوقی معاملات؛ چ ۲، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۷ ب.
۱۴. _____؛ پیشنهاد اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا؛ چ ۲، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۹ الف.
۱۵. _____؛ «اوراق سلف، ابزاری برای تأمین مالی پروژه‌های بالادستی صنعت نفت»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ ش ۳۹، ۱۳۸۹ ب.
۱۶. موسویان، سیدعباس و اکبر کشاورزین پیوستی؛ «طراحی اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا در قالب قرارداد مشارکت مدنی مشروط»؛ مجموعه مقالات بیست‌ویکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۰.
۱۷. _____؛ «آسیب‌شناسی انتشار صکوک اجاره در بانک‌های ایران، مطالعه موردی: بانک سپه»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، س ۲۲، ش ۶۹، ۱۳۹۳.
۱۸. موسویان، سیدعباس و روح‌الله غلامی؛ «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه روند، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ش ۶۳-۶۴، ۱۳۹۲.

۱۹. نظریور، محمدنقی، محمدرضا یوسفی و سیدمحسن سجادی؛ «بررسی فقهی و کاربردی قرارداد تورق بر اساس فقه امامیه در چارچوب بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۹، ۱۳۸۹.
۲۰. نظریور، محمدنقی و اکبر کشاورزبان پیوستی؛ «الزامات احیای قرارداد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکداری بدون ربا»؛ فصلنامه راهبرد اقتصادی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ش ۷، ۱۳۹۲.
۲۱. نظریور، محمدنقی؛ قرارداد و اوراق استصناع، کاربردهای استصناع در بازارهای مالی اسلامی؛ تهران: دانشگاه مفید - سازمان سمت، ۱۳۹۲.
۲۲. هدایتی، علی اصغر و دیگران؛ عملیات بانکی داخلی ۲؛ چ ۱۰، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۴.

